



شوروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مردم عراق هنوز هم می ترسند



رسانه‌های
جمعی عراق
پس از رژیم بعث

مراد ویسی

کرد دست‌نشانده رژیم بعث و «بابل» روزنامه وابسته به «عدی» فرزند ارشد صدام. چهار روزنامه نخست یک‌صدا رژیم بعث و صدام حسین را تبلیغ و تمجید می‌کردند و تنها تفاوت آن‌ها اسامی و لوگوهای بود که بر پیشانی آن‌ها حک شده بود. کمیته ویژه‌ای در دفتر صدام، وظیفه سیاست‌گذاری و تعیین خط مشی این روزنامه‌ها را برعهده داشت. بابل به دلیل حضور عدی در مدیریت آن، مجاز به

وضعیت رسانه‌ها در دوره صدام
رسانه‌های جمعی عراق در دوره حاکمیت رژیم بعث، ابزار تبلیغات رسمی دولت و حکومت صدام حسین به شمار می‌رفتند. برای حدود ۲۲ میلیون جمعیت کشور عراق، فقط پنج روزنامه منتشر می‌شد. «الشوره» ارگان حزب بعث، «الجمهوریه» روزنامه دولت عراق، «القادسیه» ارگان ارتش و نیروهای مسلح، «العراق» ارگان احزاب

حاکمیت دیدگاه‌های حزبی باعث شده حجم عمده‌ای از اخبار و گزارش‌های رسانه‌های مذکور به انعکاس اخبار درون‌حزبی از جمله ملاقات‌ها و نشست‌ها و سخنرانی‌های سران احزاب و کادرهای ارشد آنان اختصاص یابد

از سقوط صدام) و واکنش مردم به روزنامه طریق الشعب می‌گوید: «افراد مطابق عادت به دکه روزنامه‌فروشی نزدیک می‌شوند اما به محض آنکه چشمشان به تصاویر اول روزنامه می‌افتاد که در آن از مجسمه سرنگون‌شده صدام و از جنایات او تصاویری منتشر شده است، در ابتدا کنجکاو می‌شدند اما از آنجایی که هنوز به فضای جدید عادت نداشتند از ترس احتمال بازداشت از سوی مأموران صدام به سرعت محل را ترک می‌کردند.»

انفجار رسانه‌ای: دکه‌های روزنامه‌فروشی در عراق، هر روز شاهد انتشار روزنامه و یا هفته‌نامه جدیدی هستند. سردبیرانی که پیش از جنگ در روزنامه‌های وابسته به حزب بعث یا دولت صدام کار می‌کردند، اکنون خود تحت عناوین تازه روزنامه و هفته‌نامه منتشر می‌کنند و هر چند اکثر آن‌ها ادعای مستقل بودن دارند اما بسیاری از آن‌ها به شکل آشکار یا پنهان به احزاب و جریان‌های سیاسی وابسته هستند. گروه‌های مذهبی نیز اقدام به انتشار نشریات خاص خود نموده‌اند. الحوزه، الفتوی و الکوثر از این جمله‌اند که دیدگاه‌های علمای شیعه و سنی و آرا و عقاید آن‌ها را منتشر می‌کنند.

نهادهای غیردولتی و NGO ها نیز هر یک با توجه به امکانات مالی و توان خویش در صدد انتشار نشریه بر آمده‌اند. اتحادیه شعرای عراق نشریه «بلادی» را منتشر می‌کنند، انجمن رایانه‌ای عراق «بغداد آنلاین» را و زندانیان سیاسی دوران صدام، نشریه «تهم آوریل» (روز سقوط صدام) را منتشر می‌کنند. بسیاری از عناوین روزنامه‌ها و نشریات، منعکس‌کننده امیدواری‌ها و خوش‌بینی‌ها به شروع دوره‌ای تازه از آزادی‌ها و پیشرفت در دوره بعد از سقوط رژیم بعث است. العهد جدید، فجر بغداد،

انتشار اخباری بود که سایر روزنامه‌ها مجاز به انتشار آن نبودند. در اواخر رژیم بعث به تدریج بهای روزنامه‌ها افزایش و تیراژ آن‌ها پایین آمد. یکی از دلایل این امر، تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه عراق بود. از سال ۱۹۹۷ بهای هر نسخه روزنامه که ۵ دینار عراقی بود به ۲۵ دینار و سپس ۱۰۰ دینار و در نهایت به ۲۵۰ دینار رسید. تیراژ روزنامه الجمهوریه از ۱۵۰ هزار به ۲۰ هزار نسخه و النوره از ۲۰۰ هزار نسخه به ۲۵ هزار نسخه رسید.

در عرصه رسانه‌های سمعی و بصری، رادیوی خصوصی و غیر دولتی وجود نداشت و شبکه‌های تلویزیونی نیز فقط شبکه رسمی دولت و شبکه الشباب وابسته به عدی فرزند صدام بودند.

رسانه‌های جمعی پس از سقوط رژیم بعث (علیات)

مردم عراق روز ۱۰ آوریل ۲۰۰۳ (فروردین ۱۳۸۴) با یک وضعیت عجیب در دکه‌های روزنامه‌فروشی بغداد روبه‌رو شدند. اولین روزنامه‌ای که یک روز بعد از سقوط رژیم بعث منتشر شد، روزنامه «طریق الشعب» (راه مردم) بود که به طور رایگان توزیع شد. طریق الشعب ارگان رسمی حزب کمونیست عراق بود که بیش از چهار دهه ممنوع

الفعالیت بود و بیشتر اعضای آن به دست مأموران رژیم بعث سرکوب شده بودند.

زمانی که توزیع‌کنندگان روزنامه «طریق الشعب» در حال پخش روزنامه بودند بسیاری از مردم که هنوز از فضای بسته استبدادی صدام در وحشت قرار داشتند از ترس نگاهی به روزنامه می‌انداختند و رد می‌شدند. مسئول یکی از دکه‌های روزنامه‌فروشی خیابان «بونواس» بغداد که مرکز فروش بسیاری از نشریات جدید التأسيس عراق هستند درباره روز ۱۰ آوریل (روز بعد





الحریه الاولی و العراق الجدید از این جمله‌اند.

در بخش کردنشین شمال کشور، از پیش از سقوط صدام و از سال ۱۹۹۲ به بعد نوعی حاکمیت محلی وجود داشت، رسانه‌ها فعال بودند اما در مناطق عرب‌نشین که بخش عمده خاک عراق را تشکیل می‌دهند، پس از سقوط رژیم بعث، خلأ اطلاع‌رسانی بزرگی به وجود آمد که این خلأ را به تدریج روزنامه‌ها و نشریات جدید التاسیس پر کردند که به یکباره از گوشه و کنار شهر بغداد و دیگر شهرهای عراق سر بر آوردند.

در اوایل که عراق به اشغال نیروهای آمریکایی و متحدان آن در آمده بود و به علت قطع پی‌درپی برق دسترسی مردم به شبکه‌های ماهواره‌ای کمتر امکان‌پذیر بود و مردم برای دسترسی به اخبار تنها به نشریات، که تازه انتشار خود را آغاز کرده بودند، رجوع می‌کردند و این نشریات گزارش‌ها و اخبار تحولات کشور را در اختیار مردم قرار می‌دادند و شمار خوانندگان روزنامه‌ها و نشریات به سرعت افزایش پیدا می‌کرد، اگرچه به مرور زمان برخی روزنامه‌ها دست به چاپ گزارش‌هایی زدند

که پایه و اساس چندانی نداشت و صرفاً برای جذب خوانندگان چاپ می‌شدند و به همین دلیل نشریات مذکور، شمار زیادی از خوانندگان خود را از دست دادند.

حاصل ورود یک‌باره نشریات نوری به خیابان‌ها، پدیده‌ای بود که آن را انفجار رسانه‌های توصیف می‌کنند. به دلیل اینکه هنوز نشریات از نظام و سازمان مطلوبی برخوردار نیستند، آمار دقیقی از تعداد نشریات در حال انتشار و شمارگان آن‌ها در دست نیست اما دست‌اندرکاران رسانه‌ها در عراق بر آورد می‌کنند که هم‌اکنون بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ نشریه در این کشور به صورت روزنامه، هفته‌نامه و ماهنامه و فصلنامه منتشر می‌شوند. در شرایط کنونی هر شهروند عراقی بدون آنکه نیازمند کسب اجازه از نهاد خاصی باشد می‌تواند نشریه منتشر کند. مرجعی برای اعطای اجازه نشر وجود ندارد، اکنون وزارت فرهنگ، در حال تدوین مقررات مربوط به رسانه‌های جمعی است. پیش از تشکیل دولت موقت، خط قرمزی که آمریکایی‌ها برای نشریات تعیین کرده بودند، عدم تحریک مردم به مبارزه مسلحانه علیه نیروهای خارجی حاضر در عراق بود. امکان انتقاد از تشکیلات آمریکایی تحت رهبری پل برمر وجود نداشت و برمر دستورالعملی صادر کرده بود که طبق آن هر روزنامه‌نگار یا نویسنده‌ای که مردم را تحریک به کشتار و خونریزی می‌کرد بازداشت می‌شد و مورد بازخواست قرار می‌گرفت، در حالی که خود سربازان آمریکایی از مصونیت قضایی برخوردار بوده و هستند. در یک مورد روزنامه‌نگاری که سردبیر یکی از نشریات عراقی بود قصد داشت وارد محلی شود که در آن جلسه اعضای شورای حکومتی موقت عراق برقرار بود که سربازان آمریکایی جلوی او را گرفتند و هنگامی که با یکی از سربازان قدری به تندی صحبت کرد، به او دستبند زدند و او را روی زمین انداختند و ساعتی وی را به همین حال رها کردند.

سوژه‌های مورد توجه رسانه‌های جمعی

در کنار تشریح دیدگاه‌ها و مواضع حزبی و سیاسی، گروه‌ها و احزاب، مهم‌ترین سوژه‌های مورد توجه رسانه‌های جمعی سمعی و بصری و مکتوب در عراق پس از صدام را می‌توان به شرح ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. اخبار درگیری‌های نظامی و ناامنی‌ها: با توجه به اینکه بمب‌گذاری‌ها، ترور و آدم‌ربایی و حملات مسلحانه تروریست‌ها، مسئله اول روز عراق است، بخش عمده‌ای از اخبار و گزارش‌های خبری و تحلیل‌های رسانه‌های جمعی به بازتاب این حوادث اختصاص دارد. اخبار مذکور هم از نظر حجم بخش قابل ملاحظه‌ای از اخبار رسانه‌ها را تشکیل می‌دهند و هم از نظر اولویت، در رده نخست قرار می‌گیرند. این ویژگی نه تنها در مورد رسانه‌های عراقی بلکه در مورد رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز که اخبار عراق را بازتاب می‌دهند، صدق می‌کند.



در اواخر رژیم بعث به تدریج بهای روزنامه‌ها افزایش و تیراژ آن‌ها پایین آمد. یکی از دلایل این امر، تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه عراق بود. از سال ۱۹۹۷ بهای هر نسخه روزنامه که ۵ دینار عراقی بود به ۲۵ دینار و سپس ۱۰۰ دینار و در نهایت به ۲۵۰ دینار رسید.

اولین روزنامه‌های که یک روز بعد از سقوط رژیم بعث منتشر شد، روزنامه «طریق الشعب» (راه مردم) بود که به طور رایگان توزیع شد. طریق الشعب ارگان رسمی حزب کمونیست عراق بود





نیروگاه‌های مولد برق در جریان حملات آمریکا به شدت آسیب دیده و تجهیزات آنها به غارت رفته است و محدود نیروگاه‌هایی نیز که فعال هستند، با قطعات فرسوده مشغول به کار هستند

۲. افشای جنایات و ستم‌های دوران حاکمیت بعثی‌ها: افشای اخبار جنایات رژیم بعث به ویژه در مورد اعدام و شکنجه مخالفان، از جمله کشف گورهای دسته‌جمعی بخش دیگری از اخبار جذاب و پُر خواننده روزنامه‌های عراق پس از سقوط صدام را تشکیل می‌دهد. انتشار اخبار و گزارش در مورد وضعیت زندگی اشرافی مقامات رژیم پیشین نیز از جمله اخبار جذابی است که طی ماه‌های اخیر در رسانه‌های جمعی عراق به ویژه روزنامه‌ها و رسانه‌های مکتوب دیده می‌شود.

۳. نقد دولت و فرآیند بازسازی: اکثر روزنامه‌ها و رسانه‌های اخبار تلاش‌ها و اقدامات دولت در عرصه بازسازی اقتصاد و زیرساخت‌های اجتماعی اقتصادی را منتشر می‌کنند اما از نقد دولت در این عرصه باز نمانده‌اند. بسیاری از ستون‌های روزنامه‌ها به نگرانی‌های روزمره مردم از جمله کمبود آب، جاری شدن فاضلاب در سطح خیابان‌ها، مشکلات مربوط به توزیع مواد غذایی و قطع پی‌درپی برق می‌پردازند.

بی‌کاری و اعتراض به روند افزایش خیل بی‌کاران نیز از چشمان تیزبین خبرنگاران پنهان نمانده است و مقالات و برنامه‌های تلویزیونی بسیاری حول محور اشتغال و مبارزه با بی‌کاری به چشم می‌خورد. این در حالی است که نشریات طرفدار دولت مرکزی در بغداد در صدد انتشار گزارش‌هایی درباره اقدامات دولت هستند و در اربیل و سلیمانیه نیز روزنامه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای به طور روزمره، اخبار طرح‌های عمرانی انجام‌شده از سوی دولت‌های محلی کردها در اربیل و سلیمانیه را منتشر و تبلیغ می‌کنند.

۴. احساسات ضد آمریکایی: برخلاف رسانه‌های جمعی کردی، که انتقاد چندانی از آمریکایی‌ها در آن‌ها دیده نمی‌شود، برخی نشریات وابسته به شیعیان نظیر العدالة سخنگوی مجلس اعلاى انقلاب اسلامی

عراق، به انتقادات خود از آمریکایی‌ها و مسئولیت آنان در قبال ناامنی‌ها و اوضاع کنونی عراق می‌پردازند اگرچه از ترغیب شیعیان به مبارزه مسلحانه خودداری می‌کنند و افکار تندتر شیعیان را نشریات و رسانه‌های وابسته به جریان مقتدی‌صدر از جمله شبکه تلویزیونی الفیحاء نمایندگی می‌کنند. انتقاد از آمریکایی‌ها در نشریات وابسته به اعراب سنی، صریح‌تر و تندتر است که از جمله آنان می‌توان به نشریه دارالسلام وابسته به حزب اسلامی عراق به رهبری محسن عبدالحمید اشاره کرد.

چالش‌های رویارویی رسانه‌های جمعی عراق

روزنامه‌ها و سایر رسانه‌های جمعی عراق علاوه بر مشکلات مالی و سخت‌افزاری که نوعی چالش عمومی است، از چالش‌های ویژه‌ای نیز برخوردارند:

۱. ناامنی و تهدیدات علیه روزنامه‌نگاران و روزنامه‌ها و اصحاب رسانه‌های جمعی: یکی از مهم‌ترین چالش‌ها علیه رسانه‌های جمعی عراق در شرایط کنونی، افزایش

ناامنی و بی‌ثباتی و تهدیدات موجود علیه صاحبان رسانه‌ها و ارباب جراید، خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و مفسران و تحلیل‌گران رسانه‌هاست. بسیاری از خبرنگاران به دلایل سیاسی، هدف ترورهای مسلحانه و بمب‌گذاری‌ها و حملات نظامی به دفاتر رسانه‌ها قرار گرفتند و کشته و یا زخمی شده‌اند. ساختمان‌ها و اماکنی نیز که رسانه‌ها در آن مستقر هستند از این حملات در امان نیستند. نگارنده طی بازدیدی که در تیرماه ۱۳۸۴ از شهر اربیل، در شمال عراق، به عمل آورد با بلوک‌های سیمانی به ارتفاع چهار متر روبه‌رو شد که دورتادور ساختمان روزنامه «خیات» چیده شده بود و هدف از آن جلوگیری از انجام حملات انتحاری مرگبار با اتومبیل‌های حاوی مواد منفجره بود.

۲. فشارهای حزبی: رسانه‌های جمعی به دلیل گرایش‌های حزبی و سیاسی خویش از عملکرد حرفه‌ای خویش فاصله نگرفته و به ابزارهای تبلیغاتی تبدیل شده‌اند. حاکمیت دیدگاه‌های حزبی باعث شده که حجم عمده‌ای از اخبار و گزارش‌های رسانه‌های



خط قرمزی که آمریکایی‌ها برای نشریات تعیین کرده بودند، عدم تحریر مردم به مبارزه مسلحانه علیه نیروهای خارجی حاضر در عراق بود. امکان انتقاد از تشکیلات آمریکایی تحت رهبری پل برمر وجود نداشت

IRAQ AND THE FALL OF CADDAM HUSSEIN



خبری منعکس‌کننده تحولات عراق تبدیل شد. نکته مهم آنکه آمریکایی‌ها برای مقابله با نفوذ خبری العالم تلاش کردند تا با راه‌اندازی امکانات پخش برنامه‌های ماهواره‌ای در درون یک فروند هواپیمای بوئینگ، به مقابله با العالم بپردازند که موفقیت چندان در این عرصه به دست نیامورد. شبکه بین‌المللی سحر نیز در عراق و از طریق گیرنده‌های منازل قابل دریافت است. طی ماه‌های گذشته خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) و واحد مرکزی خبر نیز نمایندگان و دفاتر خود را در بغداد مستقر کرده‌اند.

وضعیت ویژه شبکه‌های الجزیره و العربیه
قبل از حمله آمریکا، حین حمله و در شرایط سه‌ساله پس از آن، دو شبکه تلویزیونی و ماهواره‌ای الجزیره و العربیه موقعیت ویژه‌ای در فضای رسانه‌ای عراق داشته‌اند. الجزیره و العربیه قبل از حمله، فضای تند ضد آمریکایی جهان عرب را پوشش می‌دادند و در جریان حمله آمریکا به عراق نیز با نشان دادن خسارات جانی و مالی حمله، نقش عمده‌ای در تحریک افکار عمومی جهان عرب و اسلام علیه نیروهای آمریکایی ایفا کردند به نحوی که خبرنگاران و تصویربرداران آن‌ها به کرات با حملات فیزیکی آمریکایی‌ها روبه‌رو شده و دفاتر آن‌ها چندین بار مورد بازرسی و تفتیش قرار گرفت و حتی تصویربردار الجزیره در حمله نظامی آمریکا کشته شد.

پس از استقرار تشکیلات موقت آمریکایی‌ها در عراق و سپس آغاز به کار شورای حکومتی موقت، دولت انتقالی ایاد علاوی و اکنون دولت ابراهیم جعفری، همواره کردها و شیعیان شبکه‌های الجزیره و العربیه را متهم کرده‌اند که به تحریک خشونت در عراق دامن می‌زنند به گونه‌ای که دفترهای این دو شبکه در مواردی تعطیل شده است. نیروهای آمریکایی نیز مدعی هستند که شبکه‌های الجزیره و العربیه در مسائل عراق و فلسطین، به تحریک افکار عمومی و تشویق عملیات انتحاری مبادرت می‌ورزند. شبکه الجزیره در عراق از سوی آمریکایی‌ها به ارتباط با شبکه‌ها و گروه‌های گروگان‌گیری اتباع خارجی نیز متهم شده است.

یکی از مشکلات اساسی بر سر راه شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای در عراق کنونی، کمبود شدید برق است. نیروگاه‌های مولد برق در جریان حملات آمریکا به شدت آسیب‌دیده و تجهیزات آن‌ها به غارت رفته است و محدود نیروگاه‌هایی نیز که فعال هستند، با قطعات فرسوده مشغول به کار هستند و به دلیل سرقت‌ها و خرابکاری‌هایی که در شبکه انتقال و توزیع صورت می‌گیرد، امکان انتقال و توزیع برق در سراسر کشور محدود است و به همین دلیل تعداد شهروندانی که امکان استفاده از تلویزیون و ماهواره را دارند محدود است. اگرچه نسبت چنین شهروندانی در مناطق کردنشین که از امنیت بالاتری برخوردار است، از مناطق عرب‌نشین عراق بیشتر است، لذا نشریات و مهم‌تر از آن‌ها رادیو، رسانه‌ای فراگیرتر در عراق به شمار می‌رود و مخاطبان بیشتری دارد.

خبرگزاری رسمی عراق (وکاله الانباء العراقیه) INA

خبرگزاری رسمی عراق INA، پس از سقوط رژیم بعث فعالیت خود را از سر گرفته است ولی هنوز از گستردگی و نفوذ رسانه‌ای لازم برای تحت الشعاع قرار دادن رسانه‌های مکتوب و سمعی و بصری احزاب و جناح‌های سیاسی کشور برخوردار نیست. یکی از دلایل عدم تحرک کافی رسانه‌های دولتی از جمله خبرگزاری عراق، اختلافات موجود بین اکراد، شیعیان و اعراب سنی در مورد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی راهبردی برای این رسانه‌هاست به ویژه آنکه در پی تغییر و تحولات مکرر اعضای دولت و وزرا، مدیران ارشد نهادهای رسانه‌ای نیز به طور سریع تغییر می‌یابند و ثبات مدیریتی وجود ندارد.

وضعیت رسانه‌های ایرانی در عراق

پس از سقوط رژیم بعث یکی از اولین شبکه‌های ماهواره‌ای که موفق گردید خود را از طریق گیرنده‌های عادی منازل به مردم عراق عرضه کند، شبکه العالم ایران بود. این شبکه تلویزیونی و ماهواره‌ای که به زبان عربی برنامه پخش می‌کند، با هدف تأثیرگذاری بر مخاطبان عرب‌زبان در خاورمیانه آغاز به کار کرد اما هنگام حمله آمریکا به عراق به مهم‌ترین شبکه

مذکور به انعکاس اخبار درون حزبی از جمله ملاقات‌ها و نشست‌ها و سخنرانی‌های سران احزاب و کادرهای ارشد آنان اختصاص یابد. اخبار مذکور به طور عمده با وضعیت مبالغه‌آمیز و تشریفاتی منعکس شده و از جنبه‌های حرفه‌ای تولید و انتشار اخبار فاصله دارد. به همین دلیل وظیفه اطلاع‌رسانی به شکل محدود و در چارچوب سیاست‌گذاری‌های حزبی صورت می‌گیرد و نشریات و رسانه‌های هر جریان خاص وظیفه «تقد» در کنار وظیفه «اطلاع‌رسانی» را به شکل محدودی بر عهده می‌گیرند و نقدهای درون گروهی به ندرت دیده می‌شود. در حال حاضر پرفروش‌ترین نشریات عراق، نشریات حزبی و سیاسی هستند.

۳. کمبود نیروی انسانی ماهر و آموزش‌دیده:

به دلیل سلطه طولانی و ۳۵ ساله رژیم بعث، خبرنگاران و روزنامه‌نگاران عراقی از فرصت لازم برای برخورداری از عرصه آزاد اطلاع‌رسانی محروم بوده‌اند و اکنون که تعداد روزنامه‌های عراق از پنج روزنامه در دوران صدام به بیش از صد روزنامه و هفته‌نامه در دوره کنونی افزایش یافته و شبکه‌های تلویزیونی آن نیز از دو شبکه دوره صدام به چندین شبکه متنوع گسترش یافته، یکی از مهم‌ترین چالش‌های رویاروی، کمبود نیروی انسانی و ماهر می‌باشد به نحوی که نحوه نگارش اخبار در روزنامه‌ها و یا نحوه کارگردانی و پخش برنامه‌های تلویزیونی از اشکالات حرفه‌ای بسیاری برخوردار است. بالا رفتن کمیّت نشریات باعث افت کیفیت آن‌ها شده است. روزنامه‌نگارانی که در عراق تحت سلطه صدام فعالیت می‌کردند تا پیش از سقوط رژیم بعث، بیشتر از آنکه روزنامه‌نگار باشند، کارمند حزب ارتش و یا دولت به شمار می‌رفتند و در راستای سیاست‌های حکومت قلم می‌زدند و اکنون از میان آن‌ها تعداد اندکی که دارای تخصص بالا و صاحب‌قلم بودند به روزنامه‌های کنونی دعوت شده‌اند و بسیاری از نشریات با سطح کیفی پایین و یا محتوایی که در بسیاری از موارد به دور از معیارهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاری است، منتشر می‌شود.

۴. کمبود برق و مشکل رسانه‌های تصویری:

مطبوعات حزبی

ملاحظات	ولاستکی سیاسی و حزبی	عنوان نشریه	شماره
		الاسلام	۱
		الکفر	۲
		الاسلام	۳
		الاسلام	۴
		الاسلام	۵
		الاسلام	۶
		الاسلام	۷
		الاسلام	۸
		الاسلام	۹
		الاسلام	۱۰
		الاسلام	۱۱
		الاسلام	۱۲
		الاسلام	۱۳
		الاسلام	۱۴
		الاسلام	۱۵
		الاسلام	۱۶
		الاسلام	۱۷
		الاسلام	۱۸
		الاسلام	۱۹
		الاسلام	۲۰
		الاسلام	۲۱
		الاسلام	۲۲
		الاسلام	۲۳
		الاسلام	۲۴
		الاسلام	۲۵
		الاسلام	۲۶
		الاسلام	۲۷
		الاسلام	۲۸
		الاسلام	۲۹
		الاسلام	۳۰

نشریات تحت کنترل آمریکایی‌ها

ملاحظات	ولاستکی	عنوان نشریه	شماره

مطبوعات بیانی و مذهبی

ملاحظات	ولاستکی مذهبی	عنوان نشریه	شماره



شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای

نشریات عامه پست و زرد

شبکه‌های رادیویی


